



دو فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات کردی دانشگاه آزاد

اسلامی واحد سندج

دوره ۱، شماره ۲، پیاپی ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۴

بررسی محتوایی و ساختاری لالایی‌های کردی

مالک شعاعی (دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.)

DOI:

به‌رواری و هرگرتن: ۲۰۲۵/۵/۱۲

صفحات: ۱۳۴-۱۵۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۲۲

به‌رواری قبول: ۲۰۲۵/۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۲۵

چکیده

لالایی روایت روان زنان روستایی است و سراینده‌ی آن، مادر، پرستار یا غلام مؤنث است. صدای زنان در لالایی‌ها مبین فرهنگ عامه، سیمای طبیعی منطقه، نوع معاش، طبقه‌ی افراد، شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فکری مردمان هر دوره است که در پرده مانده روی توجه بدان نشان ندهاند. لالایی، از جمله ادبیات شفاهی زنانه‌ی هر سرزمینی است و بیش‌تر محتوایی چون تحمیدیه، دل‌گیری مادر از تنهایی، غربت، ترس از انتخاب همسر دوم، دغدغه فراموشی زحمات والدین توسط فرزندان در بزرگ-سالی و ... دارد. در لالایی‌های مردم کرد، آرزوی مادر برای سلامتی فرزند، سواد آموختن، عروسی فرزند و ... دیده می‌شود. توجه به مذهب و سیره‌ی ائمه و پیامبران در لالایی‌های کردی چون لالایی سایر اقوام مشهود است. در لالایی، بار موسیقی مقدم بر محتواست لذا تکرار واژگانی چون لالا لالا در آن موج می‌زند و بیش از سایر قالب‌های شعری، با محاوره آمیخته است. وزن لالایی‌های کردی هجایی است. در طیف سنی کودکان گهواره‌ای، معمولاً ده هجایی و برای کودکان خردسال (غیر گهواره‌ای) ضمن غنای بیش‌تر، معمولاً هشت هجایی است. این مقاله به‌شیوه تحلیلی-توصیفی به بررسی لالایی‌های کردی پرداخته است.

کلمه‌های کلیدی: لالایی، کردها، ساختار لالایی، محتوای لالایی‌ها؛

لیکۆلینه‌وه‌یه‌کی ناوه‌پۆک و پیکهاته‌یی له زمانێ خه‌وتنی کوردی

مالیک شووعای: (پروفیسۆری یاریده‌ده‌ر، به‌شی زمان و نهده‌بی فارسی، فاکه‌لتی زانسته‌ مرۆفایه‌تیه‌کان، لق‌ی نیلام، زانکۆی نازادی ئیسلامی، نیلام، ئێران.)

لاولایه‌یه‌کان گێڕانه‌وه‌ی ده‌روونی ژنانی گوندنشین و گۆرانیپێژه‌کانیان دایک، په‌رستار، یان کۆیله‌ی مێینه‌ن. ده‌نگی ژنان له‌ گۆرانییه‌کانی خه‌وتندا، په‌نگدانه‌وه‌ی کولتووری جه‌ماوه‌ری، تایه‌تمه‌ندییه‌ سروشتیه‌کانی ناوچه‌که، بژووی ژیان، چینی تاکه‌کان، بارودۆخی ئابووری، کۆمه‌لایه‌تی، کولتووری و هه‌زری مرۆفه‌کانی هه‌موو سه‌رده‌میه‌که، که له‌ په‌رده‌دا نیشان نادرین. خه‌وتن له‌ نهده‌بیاتی زاره‌کیی ژنان له‌ هه‌موو خاکیکه‌دا و زۆربه‌یان ناوه‌پۆکیان هه‌یه‌ وه‌ک ستایش، نا‌په‌حه‌تی دایکان له‌ ته‌نایی، ده‌ربه‌ده‌ری، ترس له‌ هه‌لبژاردنی ژنی دووهم، نیه‌گه‌رانی له‌ بیرکردنه‌وه‌ی هه‌ولێ دایک و باوکی مندال له‌ ته‌مه‌نی گه‌وره‌بیدا و هتد. گرنگیدان به‌ نایین و سیفه‌تی ئیمام و پێغه‌مبه‌ران له‌ خه‌وتنی کوردیدا دیاره، هه‌روه‌ک له‌ خه‌وتنی نه‌ته‌وه‌کانی دیکه‌دا. له‌ گۆرانیی خه‌وتندا باری مۆسیقی پێش ناوه‌پۆکه‌که‌ دیت، بۆیه‌ دووباره‌بوونه‌وه‌ی وشه‌کانی وه‌ک "لا لا" تیدا باو بووه‌ و زیاتر له‌ فۆرمه‌کانی تری شیعری تبه‌که‌ل به‌ گفتوگۆ ده‌ییت. مه‌تری خه‌وینه‌ره‌ کوردیه‌کان بزوینه. له‌ بازنه‌ی ته‌مه‌نی مندالانی شانه‌دا، به‌زۆری ده‌ بزوینه‌ و بۆ مندالانی بچووک (ناشانه)، له‌کاتیکه‌دا ده‌وله‌مه‌ندتره، به‌زۆری هه‌شت بزوینه. ئهم نووسینه‌ به‌ شیوه‌یه‌کی شیکاری-وه‌سفکه‌ر له‌ خه‌وتنه‌ کوردیه‌یه‌کان ده‌کۆلێته‌وه‌.

وشه‌ی سه‌ره‌کی: خه‌وتن، کورد، پیکهاته‌ی خه‌وتن، ناوه‌پۆکی خه‌وتن.

۱. مقده‌مه

لالایی، سرشته‌ای برای پیشینه‌ی ادبیات به‌ویژه شعر است «قدمت لالایی‌ها به‌ پیش از دوران خط و کتابت می‌رسد. لالایی ابتدایی‌ترین مرحله‌ی شعر و موسیقی و نخستین تراوش‌های روحی انسان است» (رامین، علی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۴/۳۳۹). این واژه‌تداعی‌کننده‌ی مبانی مختلفی است: «لالا» در ادبیات فارسی بیش‌تر صفت «لؤلؤ» ست به‌ معنی درخشان و تابان که با سرشت کودکان نیز همخوانی دارد.

لفظ «لالا» بی‌ارتباط با «دادا» به‌ معنی مادر (در کردی) نیست. «دادا» همان است که در لفظ «دادار» به‌ معنی خالق به‌ کار رفته‌ است و از نظر محسن ابوالقاسمی، دادار اسم مشتق مرکبی است از دا+دا+ار و «دا» به‌ معنی خالق است و مادر که به‌ وجودآورنده‌ است این صفت را از خالق گرفته‌ است. نباید فراموش کرد «زمانی که‌ واژگان فاقد توانایی معرفتی خدا هستند. از موسیقی و تحرک جسمی می‌توان

بهره گرفت. موسیقی از دوران گذشته به عنوان زبان مذاهب مورد استفاده قرار می‌گرفته‌است» (حکیمی، ۱۳۸۲: ۴۹۵). پس باید در لالایی جنبه‌های معنوی هم جست که سیر در آن مجال دیگری می‌طلبد.

لالایی را در زبان کردی لاوه لاوه گویند که به معنی «دور شو! دور شو!» است. در اعتقاد مردم کرد، معصومیت بی حد کودک، باعث آزار اجنه و جانوران برای کودک شده لذا مادران با گفتن «لاوه لاوه» یعنی: «دور شو! دور شو!» به کودک حضور مادر در کنارشان و مبارزه‌ی مادر با موجوداتی که موجب آزار کودک می‌شود، نوید می‌دهد.

گروهی لالایی را «لیلی» دانسته‌اند و معتقدند کودک، معشوق مادر است. مادر چون مجنون، او را با لفظی توام با تحیب «لی لی» یا لالا صدا می‌زند. گروهی برای کودک استعاره دیگری چون لفظ بالا یافته‌اند و بر این باورند لالا، همان «لولو» است که استعاره مصرحه مطلقه از کودک است.

در میان کردها، انشاد اشعار برای کارهای مختلف روزانه که یکنواخت و بسامدی است به خاطر سرعت بخشیدن به کار از طریق تند کردن ریتم آهنگ، مرسوم است لذا برای کارهایی چون: مشک‌زنی، شیردوشی، گلیم‌بافی، تهیه کشک و دوینه و... اشعار مخصوصی وجود دارد که آن‌ها را نباید لالایی به حساب آورد زیرا محتوایی منافی لالایی‌ها دارند.

این پژوهش بر آن است با تلفیق روش پژوهش میدانی و کتابخانه‌ای، محتوای لالایی‌ها را به عنوان یکی از کهن‌ترین و زیباترین گونه‌های عامیانه، در میان کردهای ایلام کاوش نماید.

۲. بیان مسأله

گروهی از پژوهشگران و لغت‌نویسان چون معین، «لالا» را به معنی غلام، بنده و خدمت‌کار و «لالایی» را غلامی، بندگی و خدمت‌کاری گرفته‌اند (معین: ذیل واژه لالا). در توجیه آن لالایی را ترانه‌هایی دانسته که توسط مادران، دایگان و لالاها (لَله‌ها) برای اطفال خوانده می‌شد تا به خواب روند. فرهنگ فارسی معین، معنی دوم درخور تأملی برای لفظ لالایی آورده: «ترتیب بزرگ‌زادگان» (همان).

«لالا: به زبان کودکان به معنی خواب و خوابیدن است و نیز آوازی را گویند که مادران برای

خوابانیدن کودکان خویش خوانند. لالا کردن: خوابیدن به زبان کودکان» (جمال‌زاده، ۱۳۸۲: ۴۷۷).

برخی لا در لالایی را لا تکرار نفی در زبان عربی می‌دانند که با هدف ایجاد موسیقی استعمال می‌گردد. نزدیک به همین ادعا، تعبیر تخفیف لالایی به یکی از شهادتین، لا اله الا الله است. بعضی لالایی را با «الله» قریب دانسته معتقدند لالایی همان «الله» است که به «لای لا»، «لالا» و «لالایی» تبدیل شده‌است.

«لالایی برگرفته از واژه‌های «لالا» یا «لله» (غلام، بنده، خادم) به معنای نوای دل‌نشین است و در اصطلاح، سروده‌ای شفاهی، ساده، عامیانه و دور از قاعده‌های شعر رسمی و اندیشه‌پردازی اما آهنگین، گوش‌نواز، آرام‌بخش است و احساس، عاطفه، عشق و آرزوهای مادر به حال و آینده فرزند دل‌بندش را در بر می‌گیرد (عمرانی، ۱۳۸۱: ۲۰).

در ادبیات، آوازی است که مادران و دایگان برای خواب کردن طفل شیرخواره می‌خوانند (داد، ۱۳۸۵: ۴۱۲).

۳. روش پژوهش

مخاطب لالایی، باعث تعیین جامعه‌ی آماری هرگونه پژوهشی در این حوزه است و چنان‌که در تعریف «لالایی کردن» آمده‌است: «شیرخواره و کمی بزرگ‌تر خفتن» (دهخدا، ذیل لالایی کردن) جامعه‌ی آماری این پژوهش است. داده‌ها به شیوه کتاب‌خانه‌ای و میدانی گردآوری شده به‌شیوه تحلیلی - توصیفی تجزیه و تحلیل گردیده‌است.

۴. پیشینه پژوهش

پیشینه‌ی لالایی را باید از نخستین کودک و اولین مادر در تاریخ بشر جست‌وجو کرد. برخی از تحقیقات انجام شده در این حوزه عبارتند از:

رحمان مشتاق‌مهر و آمینه فیضی، (۱۳۹۹)، در مقاله «سیمای جامعه کرد در لالایی‌های کردی» سیمای جامعه و فرهنگ مردم کردزبان را از لایه‌لای لالایی‌های کردی گرد آمده در کتاب «ژانه ژین» بررسی کرده‌اند.

حسین ریاحی و میترا سعیدی، (۱۳۸۵)، در مقاله «لالایی مادران کرد (با تأکید بر مضامین مذهبی)» به شرح انواع لالایی‌های کردی پرداخته‌اند که علاوه بر تعلیم و تربیت کودکان، در انتقال مفاهیم بنیادی و ارزش‌های فرهنگی، مذهبی و تاریخی این قوم مؤثر است.

نشمیل معروف‌پور، (۱۳۹۵)، تحلیلی بر لالایی‌ها و نغمه‌های ناز و نوازش مادران کرد (گوش سورانی مکرری).

سیدآرمان حسینی‌آبباریکی و منصور نوروزی، (۱۳۹۰)، مقاله «پژوهشی در لالایی‌ها و ترانه‌های کردی جنوبی»

زهرافتحی، (۱۳۹۷)، مقاله «لالایی‌ها با صدای مادران ایلامی».

اسماعیل حسینی، (۱۳۹۱)، مقاله «نوازش‌های مادرانه در فرهنگ کردی». آزاده حقگو، (۱۳۹۰)، مقاله «بررسی لایایی‌ها در سه قوم آذری، کرد و گیلک» و ...

۵. پیشینه تاریخی لایایی

وزن لایایی برگرفته از یشت‌هاست (اقتباس از گائنه‌ها نیست چون یازده تا نوزده هجایی اند) «وزن شعر در بیش‌تر یشت‌ها هشت هجایی است و در میان آن‌ها اشعار ده و دوازده نیز یافته‌اند» (شاه‌حسینی، ۱۳۶۸: ۱۴-۱۵) اوزان لایایی کردی که هجایی اند بیش‌تر ده هجایی است گاهی مانند یشت‌ها نیز در نوسان است.

وزن «مانی» دقیقاً بر وزن لایایی کردی است:

ادپور ماهی بر ازاگ	«خور خشیتی ^۱ روشن
از تنواری اوی (درخت)	روژنداد برازند
اوی وازند شادیها	مروانی بامیوان
فرشه مروی و سپ (گونک؟)	وازند کبوتر (اد؟)
یستایند (هماگ؟) تنواری اوی	سر اوینداد آواژند (؟) ی کنیکان
(درخت؟)	

ترجمه‌ی این قطعه به فارسی چنین است:

خورشید روشن و ماه تمام برازنده
روشنی دهند و برازندگی نمایند از تنه‌ی آن درخت
مرغان روشن دل سحری آواز دهند به شادی
سخن گویند، کبوتران و طاووسان (پرستو) و همه «گونه» مرغان
سرود گویند (و) آواز خوانند (؟...) دختران.
ستایش کنند (همگی) ... تنه‌ی آن درخت را (رساله‌ی مانی، بهار به نقل از همان، ۱۵).

برخی با تقطیع مطلع این اشعار آن را دوازده هجایی دانسته‌اند:

خور خشی تی روشن اد پور ماهی ب را زاگ
- - - - - U - - -

در حالی که شعر فوق ده هجایی است اولاً شعر چون شعر لایایی کردی ساختار دوری دارد:

خور خشیتی روشن ادپور ماهی بر ازاک
 نمونه کردی: چه‌مم چه‌مه‌ری مال باو که گهت [۱۰ه‌جا]
 برگردان فارسی: چشم به راه خانه‌ی پدرت هستم (با تلخیص علیرضایی، ۱۳۸۸: ۲۱).
 چنان‌که در بالا به درستی تقطیع شده «خور خشیتی روشن» پنج هجاست پس نیم‌مصرع دیگر
 نیز پنج هجاست. تقطیع درست آن شاید چنین باشد.

خور خشی تی رو شن اد پور مای بر زاگ

- - - - - U - - -

(در ترجمه‌ی بالا قید «خشی‌تی» که همان «خیش/خشت» به معنی کامل و تمام است و در کردی اکنون به همین معنی موسوم است در ترجمه مهمل مانده. در تقطیع «برازاک» - که همان «برز» است و در ریشه‌ی «البرز» دیده‌می‌شود در کردی به همان صورت باستان به معنی بلند معمول است - «ا» سبک خوانده می‌شود. «ه» در «ماه» که مانگ بوده صورت «ه» باید متأخر باشد، غیر ملفوظ است - عروض صورت ملفوظ است نه مکتوب - به هر حال شعر فوق ده هجایی است و کردی نیز ده هجایی است).

معنی آخرین مصرع «سرود گویند (و) آواز خوانند (؟...) دختران» خود یعنی: لالایی زیرا خواننده-ی آن دخترانند. این شعر خود وزن لالایی دارد و محتوایش لالایی است پس ریشه‌ی لالایی باید در این حوزه باشد البته بر همه مبهرن است در اثرگذاری کلام منظوم شکی نیست تا جایی که زردشت، پیامبر باستانی، راز و نیاز خویش «گائاها» با اهورامزدا به نظم می‌خواند. کلام خدا نیز کلامی موزون است «به جای سجع در قرآن مجید فاصله و جمع آن را فواصل باید گفت» (همایی، ۱۳۷۱: ۴۱).

۶. لالایی‌ها از نظر دایره شمول

۶-۱. لالایی‌های فردی

در این نوع لالایی، اسم کودک ذکر می‌شود و مادران دوست دارند اشعاری منحصر به فرد برای کودک‌شان لالایی کنند:

عباس خان هاوه بانِ بالِ یاره وه باوگه‌ی وه سوار داوه‌ی خواره وه

— عباس خان روی بازوان یارش به خواب رفته، پدرش از پایین‌دست، گذر کرد.

حسن خان چگه وه شارِ دزپیل گولوه‌نی باری ژنی بکه‌ی سیر

— حسن خان به شهر دزفول رفته است تا روسری بیاورد و زن را به خانه‌ی خود ببرد (علیرضایی، ۱۳۸۸: ۴۱).

۶-۲. لالایی‌های عمومی

مضمون این نوع لالایی‌ها عمومی است و در آن از فرد خاصی یاد نمی‌شود.

مانگه‌شه و خاسه، ده ور دواران
ماچ کورپاگه‌م مینگه‌ی نه‌و واران
— شب مهتابی در اطراف سیاه‌چادرها خوب و پسندیده است/ بوس پسرهم همچون باران تازه و با طراوت است.

کورپاگه‌م خه‌فتگه خاوی وه دل بوو
هنای السی چی په ری گول بوو
— فرزند دل‌بندم خوابیده و خوابش همراه با آرامش باشد/ وقتی که بیدار می‌شود، چهره‌اش چون گل با طراوت باشد.

هر که بچرید کورپه‌گه‌م له دل
مه‌ولا یاری بوود، مه‌نزل وه مه‌نزل
— هر کسی فرزندم را از صمیم دل فراخواند/ مولا علی منزل به منزل، یار و همراه او باشد.
ریگه‌گه‌ی ایلام بکارم شیشه
اره‌ی کوره‌که‌م تا بیای همه‌میشه
— راه ایلام را با شیشه فرش کنم (بکارم)/ تا پسرهم همیشه با آسودگی خاطر نزد من بیاید.
چه‌وگه‌ی مه‌ست بی سر مه‌مه‌سه
خودا مه زانو خونی چهن که‌سه
— چشمان مست تو، بدون سر مه، خمار است/ خداوند می‌داند چشمان تو، قاتل چندین نفر است.

۷. لالایی‌ها حسب جنسیت

۷-۱. لالایی پسرانه

اداره زندگی عشایری از قبیل چرای گوسفندان، تهیه هیزم مراقبت از خانواده، توجه به قدرت ایل و قبیله و ... باعث شده «در روزگاران گذشته پسر چشم و چراغ خانواده بوده حتی الان هم در این روزگار به‌ویژه در مناطق کردنشین علاقه به داشتن پسر و اندوه از نداشتن آن به چشم می‌خورد و قابل لمس است» (موزونی، ۱۳۹۳: ۱۹۴).

لاوه، لاوه که‌م، له پای گاپاره
کور مینی وه مانگ، دویت وه ستاره
— لا، لا، لالایی من در کنار گهواره‌ی فرزندانم، پسرهم چون ماه و خترم چون ستاره، درخشان و زیبا هستند (علیرضایی، ۱۳۸۸: ۵۱).

کوره کهم چی‌یه ایلی برانی سه‌دوسی سوراها دوم شانی

— پسرِم با صد و سی سوار که پشت سر اوست/ که ایلی را از طایفه‌ی خود دور کند (همان، ۱۶).

برا برا براکم/ مال ار رانت جیاکم/ ژن ار رانت نکاکم/ مال ار رانت کراکم

— برادرم برادرم برادر کوچولویم/ خانه‌ای برای جدا می‌کنم/ برای همسری انتخاب کرده و به عقدت در می‌آورم/ خانه‌ای برای کرایه می‌کنم (از زبان یکی از زنان روستای موشکان استان ایلام).

هرکس گرگم بلاونیدو کره گئی وهار بتاونیدو

— هرکس پسرِم رانوازش کند/ [الهی] کره فصل بهارش زیاد باشد!

هرکس گرگم بچری له دل گاوی برانی منزل و منزل

— هرکس پسرِم را از صمیم قلب صداکند/ [پسرِم] گاوش برایش منزل به منزل ببرد.

شکر بهرم و نواتوه ارا گرگم له شار هاتوه ۹

— شکر را با نبات آسیاب کنم (آماده کنم)/ برای پسرِم که از شهر برگشته است (موزونی، ۱۳۹۳):

(۱۹۵).

لذا توجه به پسر در لالایی‌ها محسوس است زیرا از نگاه آنان:

الف) پسر سرمایه و خزانه‌ی زندگی و حتی با ارزش‌تر از آن است:

کور مال و کور مین، کور خه‌زانه‌گه‌م مه‌تای ره‌نگارنگ و هه‌زار دانه‌گه‌م

— پسر یعنی خانه، پسر یعنی دارای و پسر گنجینه‌ی زندگی من است و کالاهای رنگارنگ و هزار

نوع چیز با ارزش من است (علیرضایی، ۱۳۸۸: ۹۶).

مال آرا چه‌مه عه‌زهو بکیشم کور خوشال بوو، وه سای بنیشم

— چرا برای به دست آوردن ثروت و دارایی عذاب بکشم؟ باید پسرِم را خوش حال ببینم تا در

سایه‌اش زندگی کنم (همان: ۲۰).

ب) پسر عصای پیری است:

مال آرا چه‌مه، گه‌نج آرا کیمه کور پاگه م نه‌مری، عه‌سای پیریمه

— به گنج و دارایی نیازی ندارم زیرا آرزومندم که فرزندم نمیرد. چون عصای دوران پیری‌ام

می‌باشد. (یکی از زنان روستای جوب‌سرخ)

کثرت مطالب ارائه شده و موجود در بین مردم مصدق این ادعاست. به منظور رعایت اختصار

حسب ظرفیت محدود مقاله، از آوردن نمونه‌های بیش‌تر به عمد امتناع شده است. (برای یافتن مثال بیش‌

تر. ک. موزونی، ۱۳۹۳: ۱۹۷)

۷-۲. لالایی دخترانه

در لالایی‌های کردی ستایش دختر نیز مرسوم است حتی گاهی افراط و غلو در محتوای لالایی‌ها نیز دیده می‌شود. شاید برخی از آن‌ها مبارزه با کوتاه‌نگری‌هایی است که در مورد دختران وجود دارد.

هه رکه کور دیری کوره وه کاری بوو هه ر دیت دیری منهت باری بوو
— هر کسی که پسر دارد، برای او کار و تلاش می‌کند و هر کسی که دختر دارد باید خدا را شکر کند (علیرضایی، ۱۳۸۶: ۱۹).

لالایی مکم لایم بر باره وژت پابووی هالوت ژن باره
— لالایی می‌گویم که لالایی‌ام ثمر بدهد/ دایی‌ات زن بگیرد و تو ساقدوش عروس باشی (خزایی، ۱۳۸۹: ۱۶).

۸. لالایی بر حسب مخاطب

۸-۱. لالایی‌های کودکان

۸-۱-۱. تحمیدیه

هه رکه کور دیری کوره وه کاری بوو هه ر دیت دیری منهت باری بوو
— هر کسی که پسر دارد، برای او کار و تلاش می‌کند و هر کسی که دختر دارد باید خدا را شکر کند (علیرضایی، ۱۳۸۶: ۱۹).

دیوتم دیوت دیوتانه/ آو سر تیتانه/ لبا سگان وری/ آوریشم و کتانه/ گو شپارگان گو شه/ له یاقوت و مرجانه/ خدا شکر بشم دا/ شین کر بان لشم دا

— دخترم بهترین دخترهاست، آب روی صخره‌هاست، لباس‌های تن‌اش، ابریشم و کتان است. گوشواره‌های گوشش از یاقوت و مرجان است، خدایا شکر که به من لطف داشت و دختری به من دادی که در وقت مردنم برایم عزاداری می‌کند (دل‌سوزم است) (موزونی، ۱۳۹۳: ۲۱۵).

۸-۱-۲. دعا

لاوه، لاوه که‌ی ده گورش راسیت خودا نه گوش‌ی خالووی خاسیت
— لالا، لالایی که در گوش راست تو سروده شود/ خداوند دایی عزیزت را نگذشد (خزایی،

(۱۳۸۹: ۱۶).

خودام، خودام بی وارن بواری سه‌وزه‌ی کور وه کوول، آو له روو باری
 — خدایا می‌کردم که باران بیارد و زن گندمگون/ پسر در آغوش از رود، آب بیاورد (علیرضایی، ۱۳۸۸: ۱۶).

هرکس گرگم بلاونیدو کره‌گی وهار بتاونیدو
 — هرکس پسر را نوازش کند، کره فصل بهارش زیاد باشد (موزونی، ۱۳۹۳: ۱۹۵).
 لالای مکم ای گل پونه کورپه کرکم برز بو چوار شونه
 — لالائی می‌خوانم ای گل پونه، پسر کوچکم بلند و چهارشانه شود (خزایی، ۱۳۸۹: ۷).

۸- ۱- ۳. نفرین

روح لطیف مادران و معصومیت کودک و لذت یافتن برکت فرزند و ... مجالی برای نفرین باقی نخواهد گذاشت اگر نفرینی در این باره وجود دارد در ژرفای آن، آرزوی رفع کاستی است برای نمونه:
 هر کی نه دارو کورپه‌ی وه مالان اگر بگری چی وای شه‌مالان
 هر کسی بچه‌ی در خانه ندارد مثل بادهای شمال خانه‌اش آتش بگیرد (همان: ۷).

۸- ۱- ۴. سلامتی (بیمار نشدن) و رشد کودک

لالای مکم عزیز مالم تو ناخوش نوین م تتیا بالم
 — لالایی می‌گویم ای عزیز خانه‌ی من/ تو مریض نشوی که من دست تنها هستم.
 م الا تونا خاطر م جمه نه باکم ا دوس نه ا دشمنه
 — من از جانب تو آسوده خاطر هستم/ با وجود داشتن تو نه از دوست ترسی دارم و نه از دشمن؛
 لای لای مکم لایم لای تو زنگله زرین بونم پای تو
 لالایی می‌گویم لالایی ام برای تو گلوله طلایی را به پای تو می‌بندم
 خدا کم درک نچوه پای تو هرگز نم‌نیژه روله جای تو
 — امیدوارم هرگز خاری در پای تو فرو نرود/ امیدوارم هرگز در بدنت احساس درد نداشته باشی!
 لالای مکم ایا دار پونه یه حال تونه جئه دات چونه
 — لالایی می‌گویم در پای بوته‌ی پونه/ این حال تو است - بیمار هستی - جسم و جان مادرت چگونه است.

لالای مکم آروم گونم خدا کم بمرم آخت نووینم

_____ لالایی می‌گویم ای آرام جانم/ امیدوارم بمیرم و درد کشیدن را نبینم (خزایی، ۱۳۸۹: ۱۵ - ۱۴).

هه‌ر که بای بووشی کورم آزایه کِراس شیرکه‌م، نه‌زِر خودایه
هر کسی که خبر سلامتی پسرَم را بیاورد/ پیراهن کهنه‌ام را نذر خداوندیم کند (علیرضایی، ۱۳۸۸: ۱۶).

۸- ۱- ۵. سپردن بچه به خدا و ائمه
لاوه، لاوه که‌ی کورم لای تو علی بد دنیاری ده هه نای تو
_____ لالا، لالایی برای پسرَم/ حضرت علی (ع) تو را از بدی‌ها دور کند!
یا امام رضا، شاه خوراسان رووله‌که‌م گه‌پ که‌وه سهل و آسان
_____ یا امام رضا (ع) شاه خراسان/ بچه‌ام را با سادگی و آسانی بزرگ کن (علیرضایی، ۱۳۸۸: ۱۸)!
للو کرم بونم قه دار ریواس نگه دارش بو حضرت عباس
_____ بند ننوی پسرَم را به درخت ریواس می‌بندم/ تا حضرت عباس (ع) نگه دارش باشد (خزایی، ۱۳۸۹: ۱۰).

وه هرجا مه‌چی علی یارت بو او و او زیره سازگارت بوو
_____ به هر مکانی که سفر می‌کنی، حضرت علی (ع) یار تو باشد/ و آب و هوای آن با تو سازگار گردد.

۸- ۱- ۶. نگهداری و خوابیدن کودک
مضمون آرام گرفتن کودک و به خواب رفتن او، یکی شایع‌ترین مضمون لالایی‌هاست.
هلورکیت بنم و پای دار ونی م لای لای بکم کرم بیسی
_____ گهواره را پای یک درخت ون می‌گذارم/ من لالای ی بگویم و پسرَم بخوابد (خزایی، ۱۳۸۹: ۱۰).

لاوه، لاوه که‌ی، خوهم لاوانمت هه‌ی ده هه لورک خوهم خوانمت
_____ لالا، لالایی، خودم تو را می‌خوابانم/ فقط در گهواره تو را می‌خوابانم.
للو کرم بونم ق دار نارون نگه‌دارش بوه او شاه الون

_____ بند ننوی پسرَم را به درخت نارون می‌بندم/ تا شاه الوند، حضرت علی(ع) نگه‌دار او باشد
(خزایی، ۱۳۸۹: ۱۰).

۸- ۱- ۷. سواد آموختن

شرایط زندگی رو ستایی در گذشته، امکان ادامه تحصیل برای فرزندان تقریباً غیر ممکن می‌نمود
لذا آرزوی مادران، رفتن فرزندان‌شان به مکتب بود و این امر در لالایی‌ها نیز تبلور یافته‌است.
لاوه، لاهه‌گه‌م، دوان دوانه کور بیوچگله‌م تی مه کته‌ب‌خانه
_____ لالا، لالایی من برای بچه‌هایم که دو تا هستند صدای پسر کوچک‌ترم از مکتب‌خانه می‌آید
(علیرضایی، ۱۳۸۸: ۵۱).

۸- ۱- ۸. بزرگ‌شدن و ثمر دادن کودک

لاوه لاهه گو لاهه بر باری خوم بوم و پاویو، گرم ژن باری
— لالایی برای فرزندم که بزرگ شود (لالایی‌ام بی‌ثمر نباشد)/ خودم ساقدوش شوم پسرَم زن
بگیرد (موزونی، ۱۳۹۳: ۱۹۶).
لاوه، لاهه‌گی لاهم بهر باری کورم سواره، گوشتِ کهل باری
لالا، لالایی من، امیدوارم که لالایی‌ام/ ثمربخش باشد، پسرَم سواره با خود، گوشت شکار بیاورد
(علیرضایی، ۱۳۸۸: ۲۱).

۸- ۱- ۹. ترس از سربازی

در مناطق کرد ترس خاصی از سربازی برای فرزندان‌شان وجود دارد این اضطراب برای اولین
فرزند ذکور که به دنیا می‌آید شدیدتر است. تحسین‌کننده‌ی سربازی در نزد مادر کودک — که هنوز هجده
سال با سربازی فاصله دارد — بی‌دین، بی‌ایمان و کافر است.
لاوه، لاهه‌که‌م، هه‌ر که بای بووشی سه‌روازی خاسه، بی‌دین، بی‌ایمان، خودا مه‌شناسی
— لالا، لالایی من، هر کسی بگوید که سربازی خوب است، بی‌دین، بی‌ایمان و خدا را
نمی‌شناسد (علیرضایی، ۱۳۸۸: ۱۲).
هه‌ر که با بووشی، به‌راکه‌م ره‌سی جوفتِ گام مه‌یم وه جفتی اوه‌سی

— هر کسی بیاید و خبر آمدن برادرم (از سربازی را) بگوید یک جفت گاوم را با جفت کفش او عوض می‌کنم (همان: ۱۴).

۸- ۱- ۱۰. همسر گزیدن و دیدن عروسی فرزند

لای لای مکم و دوره دوره دت خاصکم بوه هسوره
— در دور دست‌ها لالایی می‌خوانم/ تا دختر خوبم مادر شوهر شود (خزایی، ۱۳۸۹: ۱۱).
و قرباند بام گور له دیور هاتی شو شوه خون داه له پی سیور هاتی
— قربانت شوم ای پسر که از راه دور آمده‌ای/ شب را شبیخون زده از پی عروسی آمده‌ای.
لاوه لاوه گولاوه بر باری خوم بوم و پاویو، گرم ژن باری
— لالایی برای فرزندم که بزرگ شود لالایی ام بی ثمر نباشد، خودم ساقدوش شوم پسر زن بگیرد
(موزونی، ۱۳۹۳: ۱۹۶-۱۹۵).
البته این اشعار ادامه دارد:

لاوه لاوه کم بو تا کلت کم وژ و لیلکت مال ولت کم
— لالایی می‌کنم و بیا تا تو را بدرقه کنم/ خودت و معشوق را داخل خانه تنها بگذارم.
یکی از دغدغه‌های والدین به‌ویژه مادر، عدم ازدواج فرزندان است:
لاوه، لاوه‌که‌م، مه چکارمه دوت هاشه وی کری، کور بیزارمه
لالا، لالایی، من کاری ندارم به این که دخترم از شوهرش بیزار است و پسرم از ازدواج
دوری می‌کند (خزایی، ۱۳۸۹: ۲۴).

۹. لالایی‌های مادرانه

۹- ۱. عشق و محبت به شوهر

یکی از مضامینی که در لالایی نادر است مضامین عاشقانه است. ابراز علاقه‌ی همسر به شوهرش به صورت مستقیم در بین زنان کرد سال‌خورده دشوار است — صدا زدن همسر یا نام بردن او در نزد دیگران به صورت مستقیم نادر است و همسر را با عنوان فلان (ایو/ هن) یاد می‌کنند — اما گاهی بخت با شوهر یار می‌شود و به بهانه لالایی، در حضور شوهر، فرصتی برای زنان فراهم می‌شد تا به صورت غیر مستقیم به ابراز عشق و علاقه به همسر بپردازند:

هرکس دوسگی له دیور ولات بو له جیگی خوشی، خم و خلالت بو

— هر عاشقی که دوستش از او دور باشد / انگار به جای شادمانی خلعتی از غم به او داده‌اند.
 هساره هلات و تم سویله تَمَس دیوا کوچ باوان لَیله
 — ستاره‌ای برآمد و گفت سهیل است / نگوکه کوچ آخرخانواده لیل من است.
 شرطوله داخدا ترک دنیا کم کشکول هلگرم، مولا مولا کم
 — ای دل پیمان می‌بندم از داغت تارک دنیا شوم / و مانند درویشان، کشکول را بردارم و مولا مولا
 کنم.

... اگر گردمه بُوخاموشم که حلقه‌ی غلامی، دُرله گوشم که
 — آتش عشقت مرا سوزانده است و این آتش را فروزشان / مرا غلام حلقه‌به‌گوش خودت کن
 (موزونی، ۱۳۹۳: ۱۱۸-۱۱۷).

۹-۲. جمال معشوق

گاهی در لالایی‌ها، زنان زیبایی‌های خود را توصیف می‌کنند و از زبان عاشق لالایی می‌سرایند:
 زلفه شورگد خسیه و پشتا مینی و کَلی بَی و مانشتا
 — گیسوی بلندت راروی دوشت انداخته‌ای / به آهویی می‌مانی که با ناز از کوه مانشت می‌خرامد
 (همان: ۱۱۵).

۹-۳. ترس از ازدواج مجدد همسر

لا لای لای ای گل زیره آقات رته زنی بیره
 خدا کنه او (زن) بمیره تا دل ننهت آروم گیره
 — لالای لای ای گل زیره، پدرت رفته تا زنی بگیرد امیدوارم زنش بمیرد، تا دل مادرت آرام بگیرد
 (خزایی، ۱۳۸۹: ۱۳).

— بابات داره زن می‌گیره / ننهت از غصه می‌میره / گلم لای لای گلم لای لای
 (عنایت، حلیمه و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲)

۹-۴. بازگشت پدر از سفر

در این لالایی که مادر شادمانی خود را از آمدن مرد خانه به کودک ابلاغ می‌کند:
 لالالا گل سوسن بابات هاتو چشام (= چشم) روشن

این لالایی‌ها افزون بر آن‌که به پیوندهای عاطفی میان زن و شوهر اشاره می‌کند، نشانگر بافت خانوادگی و چگونگی وظایف پدر و مادر در آن زمان‌ها هم هست؛ پدر برای فراهم آوردن هزینه زندگی باید بیرون از خانه باشد و مادر مسؤول امور داخل خانه و به ثمر رساندن کودکان است.

بن للوت بونم و پا درختی تا گر باوت بای ایواره وختی

— بند ننویت را به پای درختی می‌بندم/ تا شاید پدرت غروب هنگامی به خانه بازگردد.

بن للوت بونم و پای کرسی تاگر باوت بای و تندرستی

— بند ننویت را به پای کرسی می‌بندم/ تا شاید پدرت با تندرستی به خانه باز گردد.

لالایی می‌کنم تا ما درآیه چشباش خاو کنم آقاش بیایه

— لالایی می‌گویم تا ماه درآید/ چشم‌هایش را خواب می‌کنم تا پدرش به خانه بیاید.

للوت بونم ق دار پونه تاگه بابات بیا هیکل و سینه

بند ننویت را به درخت پونه می‌بندم/ تا پدرت هیکل به سینه - قوی - بازگردد (خزایی، ۱۳۸۹: ۱۲).

۹-۵. تداوم خویشی و بسامد بالای اقوام مادری در قیاس با اقوام پدری

از دریچه‌ی لالایی‌ها می‌توان به خانه‌ی دل مادران راه یافت و بخشی از اندیشه‌های درونی آن‌ها را بازشناخت. نزدیکی مادران ایرانی به خانواده‌ی خود، در سنجش با خانواده‌ی همسر و دل‌بستگی آن‌ها به نزدیکان خانوادگی خویش، در لالایی‌ها نیز، به روشنی، بازتابیده‌است. از همین رهگذر است که در لالایی‌های ایرانی، خاله و دایی، بسیار بیش‌تر از عمه و عمو، تکرار شده‌اند. نسبت عمو و عمه در برابر خاله و دایی يك به ده نیز کم‌تر است. این موضوع از دیدگاه جامعه‌شناسی خانواده‌های ایرانی هم قابل بررسی است.

هر کهس میزگانای برالم باری جفتِ گاو مه‌دهم، ره‌یحان بکاری

— هر کس مؤده‌ی آمدن برادرم آورد/ یک جفت گاو می‌دهم ریحان بکارد (علیرضایی، ۱۳۸۸:

(۲۱).

لالای مکم لایم بر باره وژت پابووی هالوت ژن باره

— لالایی می‌گویم که لالایی‌ام ثمر بدهد/ دایی‌ات زن بگیرد و تو ساقدوش عروس باشی.

لالای مکم و گل چایی دسمال و دست عروسی دایی

— لالایی می‌گویم بر گل چایی/ عروسی دایی‌ات باشد و تو دسمال به دست باشی.

لای لای مکم ای گل گردو دست بگرم و مال خالو

— لالایی می‌گویم ای گل گردو/ دست را می‌گیرم تا به خانه‌ی دایی ات برویم.
 لاوه، لاوه که‌ی ده گوش راست / خودا نه گوش‌ی خالووی خاسِت
 — لالا، لالایی که در گوش راست تو سروده شود/ خداوند دایی عزیزت را نگشد (خزایی، ۱۳۸۹: ۱۶).

براهم به‌تیه از برارونی / سهد و سی سوار ال‌پشت شونی
 — برادرم از سوی خانواده‌ی پدری اش آمده / و یک صدو سی سوار، او را همراهی می‌کنند
 (علیرضایی، ۱۳۸۸: ۲۲).

لای لای مکم ای گل گردو / دست بگرم و مال هالو
 — لالایی می‌گویم ای گل گردو/ دست را می‌گیرم تا به خانه‌ی دایی ات برویم.

۳) لالایی‌ها با مضامین سیاسی - اجتماعی
 روله لای لایه، کورپه‌م لای لایه / نزانم بوچی ده‌نگت ده رنایه
 ناشیمه ووهوو وه هیشتم نه ستی / نووشتا نه ستی یه نووشتا نه همایی
 هی یه ت نه شایی وه هیشتای نه شیم / یه تا ناهوو ته تی ری یو نه تنها
 ره تووش نه شاته چیت هه چا یه تا / وه نگه هو نه شا ده زدا نامه نه نگ
 — فرزندم لالا، دل‌بندم لالا/ نمی‌دانم چرا صدایت در نمی‌آید.
 — راستی و داد بهترین است/ پاکی، خوش‌بختی است.
 — خوش‌بختی برای کسی است که راستی و داد را برای راستی و داد انجام دهد/ همان‌گونه که
 خداوند راستی و دادگری است.
 — راهبر دنیایی نیز باید بر پایه راستی و دادگری برگزیده‌شود/ این دو با کردارها و اندیشه نیک
 (وهومن) برگزیده می‌شوند.

از جمله شاعران محلی هم که لالایی‌های سیاسی - اجتماعی سروده‌اند می‌توان از «هزار» شاعر
 نامدار کرد، نام برد که در لالایی مشهورش:

هه‌ی لایه لایه روله لای لایه / روله رونایی کلینه چاوم
 — لایی لایی فرزندم، لالایی / فرزندم روشنایی مردمک چشمانم
 به ندی جه رگ و دل هیزی هه ناوم / ریحانه‌ی بون خوش سوره گوله که م
 — بند جگر و توان روحم / ریحان خوش بو و گل سرخ من ...

به و به نه و مه نده خستوه ده دستم روله بویه ت ده به ستم ته ناخویی پی بگری
— برای چه این بندها را به دستم بسته اند/ فرزندم برای این تو را به گهواره می بندم ...

۱۰. تقسیم لالایی بر حسب سن

۱-۱۰. لالایی گهواره

لالایی‌های که تاکنون در این تحقیق بدان پرداخته شده مربوط به زمانی است که کودک در گهواره است و مادر با خواندن آن‌ها امید خوابیدن کودک دارد.

۱۰-۲. لالایی نوجوانی

گاهی لالایی‌ها برای کودکی سروده می‌شود که بزرگ شده از کودکی به خردسالی رسیده، مادر با انشاد لالایی، خوش حالی خود را از داشتن برکت وجود فرزند بیان می‌دارد. محتوای این لالایی‌ها غنی‌تر است. وزن این نوع لالایی با آن‌چه تا کنون ذکر شده متفاوت است. (وزن لالایی گهواره ده هجایی است اما وزن این نوع لالایی هشت هجایی است)

دیوتم دیوت دیوتانه/ آو سر تیتانه/ لبا سگان وری/ آوریشم و کتانه/ گو شپارگان گو شه/ له یاقوت و مرجانه/ خدا شکر بشم دا/ شین کر بان لشم دا

— دخترم بهترین دخترهاست، آب روی صخره‌هاست، لباس‌های تن‌اش، ابریشم و کتان است. گوشواره‌های گوشش از یاقوت و مرجان است، خدایا شکر که به من لطف داشت و دختری به من دادی که در وقت مردنم برایم عزاداری می‌کند (دل‌سوزم است) (موزونی، ۱۳۹۳: ۲۱۵).

گورایل کرده گپ و گر دیوت دنه‌ی مال یا کر؟

دیوت نینه‌ی شیو وه وه/ سد کاور و میه وه/ دیوت بیمه شیو وه وه/ پانسد کاور و میه وه/ پنجا قاطر هوری سن/ مال آوا هیوچ نسن

— بزرگان به گفت‌وگو نش‌ستند، دختر را به ثروت می‌دهند یا خود پسر؟ دختر را به شوهری نمی‌دهند که فقط صد گوسفند داشته‌باشد، دختر را به شوهری می‌دهند که پانصد گوسفند داشته‌باشد، پنجا قاطر هم از خانواده شوهر اگر بخواهد، باز هم خانه‌اش آباد که هیچ نخواست (همان: ۲۱۶).

خُدا نکوشی روله‌ی کَس/ اگر کُشی مانگاه و پَس/ وه چمچمال فره هس

— خدا فرزند کسی را نکشد اگر می‌کشد گاو و گوسفند را (بکشد) که در منطقه چمچال خیلی

زیاد است (همان: ۲۸۵).

۱۱. بازتاب لایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقلیمی در لالایی‌ها

یکی از ارزش‌های نهفته در لالایی‌ها، بازتاب شرایط اجتماعی و اقلیمی محل زندگی و زادگاه سراینده و کودک است که از طریق آن‌ها می‌توان، گوشه‌هایی از فرهنگ برخی مناطق را باز شناخت:

لاوه، لاوه‌که‌م، باران بورای سه‌وزی کور وه کول آوژه کوو باری
— لالا، لالایی من، باران بیارد/ زنی که پسری بر کول دارد، آب از کجا بیاورد؟ (موزونی، ۱۳۹۳: ۲۲۰)

در بیت بالا مشقت تهیه آب آشامیدن برای خانواده مشخص می‌کند که محل زندگی تقریباً خشک و بیابانی و فاقد چشمه است.

در بیت زیر سبک و ابزارهای زندگی ترسیم گردیده:
بالشت-زیر سرت به لگ چه رووه رووله کم حوفتیه و خاوش درووه
— بالش زیر سرم پسر، برگ تازه‌ی درخت بلوط است/ فرزند عزیزم خوابیده ولی خوابش واقعی نیست (علیرضایی، ۱۳۸۸: ۱۶).

۱۱-۱. نام مناطق جغرافیایی

گاهی لالایی، اقلیم گوینده را روایت می‌کند:
لاوه، لاوه‌گهی، له‌لای گیشه وه گور په‌م گولیگه وه مانیشه وه
— لالا، لالایی من، لالایی برای همگی آن‌ها/ فرزندم چون گلی در کوهستان مانشت می‌باشد.
گافاره‌ی زهرین چووی تاویه ده‌زورانه گهی مه‌لخه تاویه
— گهواره زرین پسر از چوب «تایو» است/ و نامزدش از طایفه‌ی «ملختاوی»^۱ می‌باشد.

۱۱-۲. طبیعت محوری

اسم انواع گل‌ها:

لالالالا گل سوسن بابات هاتو چشام (= چشمم) روشن
در بیت‌های دیگر:

به‌ندی جهرگ و دل هیزی هه ناوم ریحانه‌ی بون خوش سوره گوله که‌م
— بند جگر و توان روحم / ریحان خوش‌بو و گل سرخ من ...

لا لایی مکم و گل چایی دسمال و دست عروسی دایی
 — لا لایی می گویم بر گل چایی/ عروسی دایی ات باشد و تو دسمال به دست باشی.
 لای لای مکم ای گل گردو دست بگرم و مال خالو
 — لا لایی می گویم ای گل گردو/ دست را می گیرم تا به خانه ی دایی ات برویم
 لالای لای لای گل خاشخاش کرم بوه کمک حال آقاش
 — لالا لالا گل خاشخاش/ پسر کمک حال پدرش شود (خزایی، ۱۳۸۹: ۸). این بیت مبین کشت
 تریاک در منطقه ی محل سرایش لالایی است.

۱۱- ۳. لالایی های که بیانگر سنت، اعتقاد یا داستانی است

تاگر داشی نایه دیار برنج بکویم باری و تای
 ... کل کرتی سوز چکمه بل خار عروس خنم نموه سوار
 — بیایید مقدار زیادی برنج بکویم غذای عروسی را آماده کنیم. اگر هزاران شخص مقرر و موجه
 بیایند و بخوانند عروسی را راه بیندازند، تا برادر عروس نیاید و اجازه ندهد عروس خانم سوار بر اسب
 نمی شود و راضی به عروسی نیست (خزایی، ۱۳۸۹: ۱۰).
 در روز عروسی، هنگامی که خانواده ی داماد برای بردن عروس می آیند، برادر عروس حتی اگر تنها یک
 پسر بچه باشد باید دست عروس را بگیرد و از منزل خارج کند و در واقع به او اجازه رفتن به خانه ی شوهر
 بدهد. چنانچه عروس برادری نداشته باشد عموی وی چنین کاری را انجام خواهد داد.
 لای لای مکم تا دتم بسی عاموزا شیره دسگرون سی
 — لا لایی می گویم تا دخترم بخوابد/ پسر عموی خوش نامزد اوست (خزایی، ۱۳۸۹: ۱۰).
 این لالایی اشاره به رسم ناف بر کردن دختر عمو برای پسر عمو در میان کردها دارد و اگر پسر عمو
 خواستگار دختر باشد علی رغم میل باطنی اش، نامزد و همسر پسر عمو خواهد بود.
 گاهی لالایی به داستانی چون: ملگ جمشیر، پاتوره و پری، نمه سیه، تیتان و میتان، گُر کچل، دنک هنار،
 نژیله و ... اشاره دارد.

۱۲. وزن لالایی

در یک نگاه کلی، شعر کردی و لالایی (مورد پژوهش) را هجایی می‌پندارند این امر شاید برخاسته از نگاهی باشد که به سراینده‌ی لالایی معطوف است. کسی که به صورت حرفه‌ای و تخصصی به‌ویژه در وزن خاصی مانند مثنوی (شاه‌نامه یا مثنوی مولوی) و ... شعر گفته‌است حال و مقال شعری‌اش با کسی که از سر تفنن و به اصلاح دوست‌کاری/ آماتور شعر سروده در یک قیاس نیست لذا رعایت وزن و سطح آشنایی با علم عروض در این دو گروه کاملاً باهم‌دیگر متباین است.

به نظر نگارنده، لالایی و شعر کردی، از لحاظ وزنی نمی‌توان مطلق هجایی پنداشت برای مثال در چهار پاره‌ی:

برا برا براکم/ مال ار رانت جیاکم/ ژن ار رانت نکاکم/ مال ار رانت کراکم

پاره‌ی اول بر وزن مفاعله‌ن فعلولن و سه پاره‌ی دیگر بر وزن روان و بدون اختیارات شاعری فاعلاتن فعلولن (اخیر یا مُشاکل مثنم محذوف) است. رکن اول پاره‌ی اول نیز با اختیارات شاعری قلب و تغییر کمیت مصوت‌ها (بلند تلفظ کردن مصوت‌های کوتاه)، از مفاعله‌ن به فاعلاتن قابل تغییر است. پس لالایی بالا کاملاً منطبق با عروض فارسی است. لذا وزن هجایی یا ضربی به صورت تام و مطلق برای لالایی مناسب نیست شاید منطقی باشد در عروض، وزنی با عنوان «وزن لالایی» مورد ارزیابی قرار گیرد و اصولی برای آن تدوین گردد.

۱۳. صناعات ادبی لالایی‌ها

شعر لالایی را باید جلوه‌گاه بالای استعاره دانست بیش‌تر اسم انواع گل‌ها در لالایی‌ها استعاره از کودک است. می‌توان گفت هیچ صنعت ادبی به اندازه استعاره در لالایی‌ها تبلور نیافته‌است و از این جنبه، لالایی‌ها در ستیغ‌اند اما از صناعات بدیعی و دیگر صناعات علم بیان، لالایی‌ها ضعیف‌اند چون سادگی محور لالایی است:

لاوه لاوه گم له دیور دیاره یا دار خنیس یا میخک باره

— فرزند دل‌بندم از دور پیداست/ به درخت حنا می‌ماند و بوی میخک می‌دهد (موزونی، ۱۳۹۳)

(۱۹۹).

لالایی مکم ای گل پونه کورپه کرکم برز بو چوار شونه

— لالایی می‌خوانم ای گل پونه/ پسر کوچکم بلند و چهار شانه شود.

لالایی لای لای گل خاشخاش کرم بوه کمک حال آقاش

— لالا لالا گل خاشخاش/ پسرکم کمک حال پدرش شود (خزایی، ۱۳۸۹: ۸).

بعد از استعاره، تشبیه هنری ترین صور خیال لالایی هاست:

فهدای بالات بام چی دار گولی میوه شیرینه، سه د چی کاملی
— فدای قد و قامت رعنای تو که چون درخت گل هستی / میوه ات شیرین و صد ویژگی برتر داری
(علیرضایی، ۱۳۸۶: ۱۹).

رووله فهدای بالای چی تیل چکیای یه چی گول وه هار تازه ده میای یه
— فرزند عزیزم فدای قامت رعنای چون نهال تو شوم / که مثل گل تازه ی بهار رویده ای (همان):
(۲۱).

رووله گه م خه فیکه چی خه رمان گول پنجه چی شمشاد، ناسه بان دل
— فرزند عزیزم خوابیده، هم چون خرمنی از گل / پنجه اش را چون گل شمشاد بر روی دلش
گذاشته است (همان ۳۵).
البته موارد نادری چون بیت زیر دیده می شود که دارای تشبیه معکوس، واج آرایی، قلب المطلب، تشابه الاطراف و .. است.

چتر چپو چویر، چویر، چپو چتر پروردی کردیه و گلاو و عطر
زلفت چون گیاه خوشبوی «چویر» و «چویر» چون زلف توست، انگار که آن را با عطر و گلاب
پرورنده ای (موزونی، ۱۳۹۳: ۱۱۳).

لالایی ها سرشار از تکرار واژگانی است که علاوه بر ایجاد موسیقی، گاهی باعث پیدایش صنایع لفظی؛ ردالصدر الی العجز، ردالجز الی الصدر، تشابه الاطراف، اعنات، تکریر، طرد و عکس و ... می گردد.

۱۴. نتیجه گیری

لالایی، شعر زنانه ی روستایی، صمیمی ترین و عاطفی ترین سروده ها، همزاد بشر و نخستین گام آشنایی کودک با شعر و موسیقی است که با آن، به سادگی می توان به دل مادران راه یافت و آرزوها و خواست های شان را شناخت. گویی خود مادران به این زمزمه های مخملین، بیش تر از کودکان شان نیاز داشته اند.

آن چه لالایی ها را با اشعار دیگر جدا می کند و آن ها را در گونه ای دیگر جای می دهد، سرایندگان و شیوه ی سرایش آن هاست. لالایی ها را شاعران رسمی - به جز دوره معاصر - نسروده اند. اصالت این گونه از سروده ها همین خلاف آمد عادت آن هاست.

در بررسی درون‌مایه‌ی لالایی‌های کردی، تقسیمات متفاوتی چون: دایره شمول (فردی و عمومی)، جنسیت، مخاطب (کودکانه، مادرانه) و سن (گهواره‌ای و نوجوانی) لحاظ گردید. لالایی‌هایی که کودک مخاطب آن است تا حدی شاداند اما لالایی‌هایی که مادران را مخاطب قرار می‌دهد توأم با دغدغه و تشویش و تا حدی مبین حرمان و مظلومیت زنان است.

در لالایی‌های کردی، سنن، عادات غذایی، شرایط اقلیمی و اجتماعی، پوشش گیاهی، جانوری و ... مناطق مورد سکونت دیده می‌شود.

صناعات ادبی در لالایی‌های کردی به خاطر روح عامیانه لالایی چشمگیر نیست و استعاره در آن به خاطر تشبیه کودک به انواع گل‌ها، بالاترین تبلور دارد. بعد از استعاره، بسامد تشبیه بالاست. این نوع لالایی سرشار از تکرار واژگانی است که علاوه بر ایجاد موسیقی، گاهی باعث پیدایش صنایع لفظی: ردالصدر الی العجز، ردالجز الی الصدر، تشابه‌الاطراف، اعنات، تکریر، طرد و عکس و ... می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- ملختاوی: از طوایف قدیم ساکن مهران از تیره ناصر، که قدیمی‌ترین تیره ساکن مهران به حساب می‌آید.
- ۲- اگر در دوران معاصر برخی از شاعران چون سعید شمس انصاری، صد و هشت دوبیتی و رباعی را برای استفاده‌ی مادران در لالایی‌ها سروده در آن‌ها اندوه اجتماعی خود را بازگفته با نام "لالایی‌های امروز" منتشر کرده است. سادگی و صمیمیت لالایی‌های جوشیده از دل مادران در این لالایی‌های رسمی رنگ باخته است.

منابع:

- ابوالقاسمی، محسن، (۱۳۷۴)، ریشه‌شناسی (اتیمولوژی)، چاپ سوم، تهران: ققنوس؛
- جمال‌زاده، سیدمحمد، (۱۳۸۲)، فرهنگ لغات عامیانه، به کوشش محمدجعفر
- محجوب، چاپ دوم، تهران: سخن؛

- حکیمی، محمود و مهدی کاموس، (۱۳۸۲) مبانی ادبیات کودکان و نوجوانان، ادبیات دینی، تهران: ارون؛
- خزایی، کبری، (۱۳۸۹)، ساختار لالایی‌ها در فرهنگ مردم خزل، تهران: فرهنگان؛
- داد، سیما، (۱۳۸۵)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید؛
- رامین، علی، فانی کامران و سادات محمدعلی، (۱۳۸۹)، دانش‌نامه دانش‌گستر، تهران: مؤسسه دانش‌گستر روز؛
- شاه‌حسینی، ناصرالدین، (۱۳۸۵)، شناخت شعر عروض و قافیه، تهران: مؤسسه نشر هما؛
- علیرضایی، کرم، (۱۳۸۸)، بونگ‌های مادرانه، تهران: نبوت؛
- عمرانی، سید ابراهیم، (۱۳۸۱)، لالایی‌های ایران، تهران: پیوند نو؛
- عنایت، حلیمه، حسینی مریم و عسکری چاوردی، جواد، (۱۳۹۰)، «تحلیلی جامعه‌شناختی از لالایی‌های منطقه لامرد فارس»، مجله زن در فرهنگ و هنر، دوره ۳، شماره ۲، صص ۷۶ - ۵۷؛
- معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، تهران: امیر کبیر؛
- موزونی، رضا، (۱۳۹۳)، لالایی‌های سرزمین مادری، کرمانشاه: حافظ؛
- همایی، جلال‌الدین، (۱۳۸۵)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: مؤسسه نشر هما؛

A content and structural study of Kurdish lullabies

Malek Shoaee^۱

Associate Professor, Department of Persian Language and Literature,
Faculty of Humanities, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran.

Abstract

Lullabies are the narratives of rural women's psyches, and their narrators are mothers, nurses, or female slaves. The voices of women in lullabies reflect the popular culture, the natural landscape of the region, the type of livelihood, the class of individuals, and the economic, social, cultural, and intellectual conditions of the people of each era. Lullabies are among the oral literatures of women in every land, and most of them contain content such as praise, a mother's dismay at loneliness, alienation, fear of choosing a second husband, concern about children forgetting their parents' efforts in adulthood, and so on. In the lullabies of the Kurdish people, the mother's wish for the child's health, literacy, marriage, etc. is seen. Attention to the religion and character of the Imams and prophets is evident in Kurdish lullabies, as in the lullabies of other ethnic groups. In lullabies, the musical load precedes the content, so the repetition of words such as "Lala Lala" is prevalent in it, and it is mixed with colloquialisms more than in other poetic forms. The weight of Kurdish lullabies is syllabic. In the age range of cradled children, it is usually ten syllables, and for young children (non-cradled), while being richer, it is usually eight syllables. This article examines Kurdish lullabies in an analytical-descriptive manner.

Keywords: lullabies, Kurds, lullaby structure, lullaby content;

^۱ - Email: malek.shoaee@iau.ac.ir